

میراث

نشریہ ادبی میثاق
موضوع: ایام محرم و صفر





سال اول - شماره دوم

نشریه ادبی مهتاب

موضوع: ایام محرم و صفر

مناصب امتیاز: هنگامه علیرضایی

مدیر مسئول: فیروزه استخری

سردبیر: حمید حسینی

هیئت تحریریه: مریم گرامی - حکیمه آبسالان

طراح و صفحه آرا: عالیبه دهدشتی

نشانی: استان فارس شهرستان داراب بلوار دانشجو

دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

مَاذَا وَصَدَ مِنْ قَدْرِكَ وَمَا الَّذِي قَدْرَ مِنْ وَصْرِكَ؟ .

امام حسین (ع) فرمود: «پروردگارا! آن که تو را نیافت،

چه یافت و آن که تو را یافت، چه از دست داد؟».

پیامبران، حضرت محمدمصطفی؟ بالندگی و اشاعه ارزش های متعالی آن را در طول تاریخ، سرلوحه روزگار خود قرار داده است. از این رو، فرهنگ و تمدن ایرانی متأثر از آموزه های دینی و آموزه‌های دینی نیز تأثیر پذیرفته از فرهنگ ایرانی است و با ابزار این فرهنگ گسترش یافته است.

● ارسالی: مریم گرامی

شب خُزنه شب درده شب پُرشور عاشوراست

حرم غوغاست، غمین زهراست، پریشون زینب کبراست

حسین جانم

شب دلهاست شب نجواست شب پرواز عاشق‌هاست

شب عهد و شب میثاق، شهادت نامه‌ها امضاست

حسین جانم

همه ی گردِ امام خود دارن قول وفا میدن

که تا فردا سر و جون در ره خون خدا میدن

حسین جانم

دل زینب پر از شوره پر از غصه پر از درده

با این حال پریشونش، به دور خیمه می‌گرده

حسین جانم

امام او عزیز او همش غرق مناجاته

غروب غربت فردا دیگه وقت ملاقاته

حسین جانم

با این که هست خود آقا امین و ناطق قرآن

همش قرآن می‌خونه با صدای ناله ای سوزان

حسین جانم

داره عباس با صد احساس به دور خیمه می‌گرده

امان از این امان نامه که شمر کافر آورده

حسین جانم

عدوی نانجیب بدجور دل عباسو آتیش زد

با اظهار امان نامه کوه احساسو آتیش زد

حسین جانم

ابوفاضل از این نامه چشاش پر خون دلش محزون

الا یا حضرت عباس به کوه غیرتت قربون

حسین جانم

* آبروی حسین به کهکشان می آرد، یک موی حسین بر دو جهان می آرد، گفتم که بگو بهشت را قیمت چیست، گفتا که حسین بیش از آن می آرد ...

● ارسالی : حمید حسینی

غم زهرامرا سوز دون داد

دم حصار به من سوز جون داد

حسین آمد به زخم دل کج نمک ریخت

مرا با شور عاورد آینه‌یخت

● نویسنده: حمید حسینی



فرهنگ که بستر ساز همه بالندگی‌هاست، هویت اصلی جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد و حیات و زندگی پایدار را بنیان می‌نهد. آداب، ارزش‌ها، مراسم و باورهای فرهنگی نیز پیشینه تاریخی، فرهنگی، دینی و هویت اجتماعی هر جامعه را شکل می‌دهند. اگرچه ارزش‌ها و هنجارها در هر جامعه به عنوان مرجع رفتار شناخته می‌شوند، ولی بررسی آن دسته از آداب و رسوم که تجلی اعتقادات دینی هستند، از اهمیتی مضاعف برخوردارند.

در آیین‌ها و مراسم بزرگ دینی، مانند سوگواری‌ها و عزاداری‌ها، به واسطه نقش و موقعیتی که افراد در برگزاری آنها می‌کنند، موقعیت اجتماعی و جایگاه آنان در ساختار اجتماعی باز تولید می‌شود؛ چرا که سوگواری‌ها و عزاداری‌های مذهبی به مثابه یکی از ارکان اصلی دینداری، تقدس، توکل و توسل را به زندگی معمولی مردم هدیه می‌دهند.

در فرهنگ ما ایرانیان، بزرگداشت اسوه‌های دینی، زمینه‌ساز بسیاری از آیین‌هاست که به دلیل تنوع جغرافیایی و قومی، سبک‌ها و گونه‌های متنوعی از آن به وجود آمده و از دیرباز تا امروز از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

در این میان، بررسی آیین‌ها و سنت‌های گفتاری و رفتاری سوگواری‌های مذهبی، از آنجا که پیوند ما را با گذشته برقرار می‌کند، می‌توانند راه صحیح زندگی در دنیای امروز را فرآوری انسان‌ها قرار دهند.

در بررسی فرهنگ ایرانی، نکته بسیار درخور توجه آن است که هویت ایرانی از بیست و پنج قرن تمدن کهن خود، چهارده قرن آن را در کنشی عمیق با دین اسلام به سر برده است. تمدن ایرانی، ظهور اسلام را فرصتی مغتنم برای رشد و اعتلای فکری خود دانسته و با پذیرش رهاورد آسمانی خاتم

شاهنامه‌نویان روز محرم

• ارسالی: فیروزه استخری

اولین روز ماه محرم، پیش از اسلام عرب، جنگ در این ماه را حرام می‌دانست و ترک مخصوصه می‌کرد؛ لذا از آن زمان این ماه بدین اسم نامگذاری شد. و روز اول محرم را اول سال قمری قرار دادند.

در توضیح این که چرا ماه‌های دیگر که جنگ در آنها حرام است، محرم نامیده نمی‌شود می‌توان گفت: چون ترک جنگ از این ماه شروع می‌شد به آن محرم گفتند.

محرم ۱۴۰۰، تاریخ محرم سال ۱۴۰۰/محرم امسال کی شروع میشه/ تاسو و عاشورا ۱۴۰۰/ تاریخ دقیق اول محرم

ماه محرم چه ماهی است؟

ماه مُحَرَّم یا محرم‌الحرام نخستین ماه از ماه‌های دوازده‌گانه قمری و یکی از ماه‌های حرام است.

به‌همان‌گونه که پیش از ظهور اسلام، در دوران جاهلیت، جنگ و خونریزی در این ماه‌ها ممنوع بود، اسلام نیز همان را تأیید کرد.

نام این ماه پیش از اسلام در دوران جاهلیت مؤتمِر (در عربی: مؤتمِر یا المُوتمِر) بوده‌است و در زمان جاهلیت محرم (در عربی: المَحَرَّم) نامی بوده که به ماه صفر گفته می‌شد.



در دوم ماه محرم الحرام سال ۶۱ هجری کاروان حضرت امام حسین (علیه السلام) وارد کربلا شد و سپاهیان دشمن که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شد در روزهای تاسوعا و عاشورا که روز نهم و دهم محرم می‌باشد او و یارانش را به شهادت رساندند.

شب و روز اول محرم به عنوان اول سال قمری دارای نماز و آداب خاصی است که در کتاب مفاتیح‌الجنان بیان شده‌است. محرم، ماه حزن و اندوه و عزاداری شیعیان در قتل حسین بن علی است.

امام هشتم شیعیان امام رضا (علیه السلام) در خصوص این ماه فرمود: «در جاهلیت هم حرمت این ماه نگاه داشته می‌شد و در آن نمی‌جنگیدند ولی در این ماه، خون‌های ما را ریختند و حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنان ما را اسیر کردند

اه مُحَرَّم یا محرم‌الحرام نخستین ماه تقویم اسلامی (هجری قمری) و به اعتقاد مسلمانان از جمله ماه‌های حرام است. نام این ماه پیش از اسلام در دوران جاهلیت مؤتمِر (در عربی: مؤتمِر یا المُوتمِر) بوده‌است و در زمان جاهلیت محرم (در عربی: المَحَرَّم) نامی بوده که به ماه صفر گفته می‌شد. محرم نخستین ماه از ماه‌های دوازده‌گانه قمری و یکی از ماه‌های حرام است که در دوران جاهلیت و نیز در اسلام، جنگ در آن تحریم شده‌بود. البته این ماه برای شیعیان بسیار مقدس می‌باشد؛ آن‌ها برای گرامی داشتن این ماه برای حسین بن علی گریه کرده و سینه‌زنی و هیئت می‌گیرند و کسانی که به هیئت بروند را غذا می‌دهند، زیرا معتقد هستند که این کارها پس از مرگ به آن‌ها نفع می‌رساند و گناهان آن‌ها آمرزیده می‌شود.



شب و روز اول محرم به عنوان اول سال قمری دارای نماز و آداب خاصی است که در کتاب مفاتیح‌الجنان بیان شده‌است. محرم، ماه حزن و اندوه و عزاداری شیعیان در قتل حسین بن علی است.

• نویسنده: مریم گرامی

صَفَر (صفر الخیر یا صفر المطفّر) (به عربی: صَفَر) دومین ماه قمری پس از محرم است. در دوران جاهلیت آن را نَاجِر می‌نامیدند. صفر از ریشه «صفر» به معنی تهی و خالی است. دلیل نامگذاری آن این است که چون این ماه پس از ماه محرم است و مردم دوران جاهلیت در ماه محرم - به دلیل اینکه از ماه‌های حرام بود - از جنگ دست می‌کشیدند، با فرارسیدن ماه صفر به جنگ روی می‌آوردند و خانه‌ها خالی می‌ماند؛ از این رو به آن صفر گفته‌اند.

• نویسنده: مریم گرامی





این داغ چیست؟!
 که سالیان سال از آن میگذرد
 ولی هر سال دلمان عذاب تر از سال قبل است؟
 این عذاب چیست که هر سال دلمان را سیاه تر میکند؟
 یا حسین این عشق تو چیست که سال به سال قلبم را پر تر میکند؟
 و من چقدر مفتخرم بابت این عشق این عذاب این غم
 که میتوانم همه جا صدا بزنم اربابم حسین...
 و تنها دعای این است شرمنده روی مادرش نشوم یا حسین...

● نویسنده : هنگامه علیرضایی

حسینم

صدای قدم های مهربانت کوچه دلم را پر کرده است
 قلبم با شنیدن صدای کاروانت پر میکشد
 محرم آمد
 محرم آمد تا بگوید حسین فراموش نشدنی است
 آمد تا بگوید: هیاهات من الذله

حسینم

این بار مرا با خود به دیار عاشقانه خود ببر
 بگذار من هم بوی بهشت را از سرزمین کربلا کنم
 دلم هوای کوچه های کربلا را کرده است
 نمی دانم چگونه هستند
 خودم ندیدم اما می گویند: حال و هوای عجیبی دارد
 می گویند: آدمی عاشق تر می شود
 می گویند: هر کجایش را نگاه کنی حسین را میبینی

حسینم

تو را قسم می دهم به همین محرم
 به همین ماه عزیز ، مرا با خود ببر
 ببر از این دنیای تنگ و دلگیر
 دیگر نمی توانم آسوده باشم ، منتظر می مانم
 می دانم صدایم میکنی
 اگر دلم به سویت پر بکشد ...



با اشک‌های بی‌امان گریه کردم
 با چشم‌هایم با دهانم گریه کردم
 پرسیدی از من عاشقی یا زخم خورده؟
 چیزی نیامد بر زبانم، گریه کرد
 گم کرده‌ام چندیست آن چیزی که بودم
 پرسیدی از نام و نشانم، گریه کردم
 گفתי بی‌قدری برایم دورد و دلاله کن
 می‌خواستم روضه بخوانم، گریه کردم
 می‌خواستی مثل زمین دلاله سخت باشم
 دیدم شبیه آسمانم، گریه کردم
 هر کس، برایت شکوه‌ای آورد اما
 من بیش از این مانا توانم، گریه کردم
 تا هست جهان شور محرم باقیست
 این جلوه‌ی جان در همه‌ی عالم باقیست
 اوزناله‌ی نینروای یاران حسین
 مواره به لب زمزمه‌ی غم باقیست .

● نویسنده : حکیمه آبسالان



یا امام حسین درک نشده‌ام، درکی ندیده‌ام،
 فهمیده نشده‌ام:
 تو حالم را می‌دانی، تو می‌دانی که درک نشدن یعنی چه؟
 می‌دانی که در کنار درک نشدن متهم شدن یعنی چه،
 تو میدانی تمام کسانی که دم از همراهی می‌زنند و در روزی که باید
 کنارت باشند رهایت میکنند یعنی چه. می‌توانی دواي دردم
 باشی؛ می‌توانی درکم کنی، من بنده‌ای امام حسینی هستم،
 قدم در مسیر تو گذاشته‌ام،
 مقصدم سوی خداست اما در این دنیایی که پر است از آدم‌هایی که
 فقط خود را می‌بینند، نیاز به درک دارم.
 تو باش که مرا درک میکنی، تو باش که آرام‌جانم می‌شوی و تو باش
 که به خاطر بودنت در زندگی‌ام با خود بگویم که به غیر از خدا کسی
 هست که مرا می‌بیند، کسی هست که به من توجه دارد

● نویسنده : هنگامه علیرضایی

صدای پای قافله سالاری می‌آید، صدای زنگ شتری، کاروان نزدیک می‌شود، کاروانی که مقصد نهایی اش کربلاست. اینجا سرزمین طف است، سرزمین موعود، کاروان به مقصد رسیده و خیمه‌ها به عظمت خورشید تکیه کرده است، گرما هر لحظه تکثیر می‌شود و عطش تنها تصویر دال انگیز نینوا است و بس. کربلا یا طف، فرقی نمی‌کند، آن روزها معنای هر کدام تنها یک چیز بود: عطش و عطش یعنی سیراب شدن از لحظات آسمانی جهاد، یعنی چرخیدن در دل میدان، ذوب شدن و پیوستن به بیکرانه آبی آسمان.

یاد کربلا و واقعه عاشورا دانشگاهی است که تو را می‌خواند و این بار هم چه شور و شوقی ایجاد می‌کند این ماه عطش.

شهر حال و هوایی دیگر به خود می‌گیرد، بچه هیاتی‌ها در تکاپو هستند، بار دیگر نغمه‌های عاشقانه حسین (ع) نقل محفل شان شده است، همه همدیگر را پیدا می‌کنند، محرم مقصد مشترک همه است، اینجا عشق توزیع می‌شود.

باید دوباره لباس سیاه خود را بپوشیم، باید خودمان را خانه تکانی کنیم، باید به اصل خویش بازگردیم، به یک ظهر داغ، یا به پای عطش کودکان بسوزیم، با ضجه‌های زینب (سلامة الله علیها) آتش بگیریم، ۷۲ بار هروله کنان بر مدار شعله‌های عشق سوختن را تجربه کنیم، تا که محرم را درک کنیم.

وای مگر محرم همین سیاه پوشیدن است و ... نه، محرم تمرین سوختن است، تمرین شعله ور شدن، مشق ققنوسی بودن، تمرین سوختن در آتش عشق، مشق فداکاری و ایثار، تمرین جانبازی با دستان بریده، محرم تمرین عاشقی است با سر بریده، محرم مقصدی است برای مبداء، محرم رجوعی دوباره است و محرم ...

محرم ماه عاشورا است و شهید شش ماهه، محرم ماه دل‌های شکسته کودکان حرم است و زینب شکسته بندی که خود بیش از همه می‌شکند، محرم ماه داغ برادر است و سرداری که مشک بر دندان در راه خیمه‌های کودکان تشنه آسمانی گام بر می‌دارد. نه اشک‌ها در چشم دوام می‌آورند نه حرف‌ها بر زبان، روایت درد آسان نیست و زبان بسیار ناتوان در گفتن ناگفتنی‌ها است.

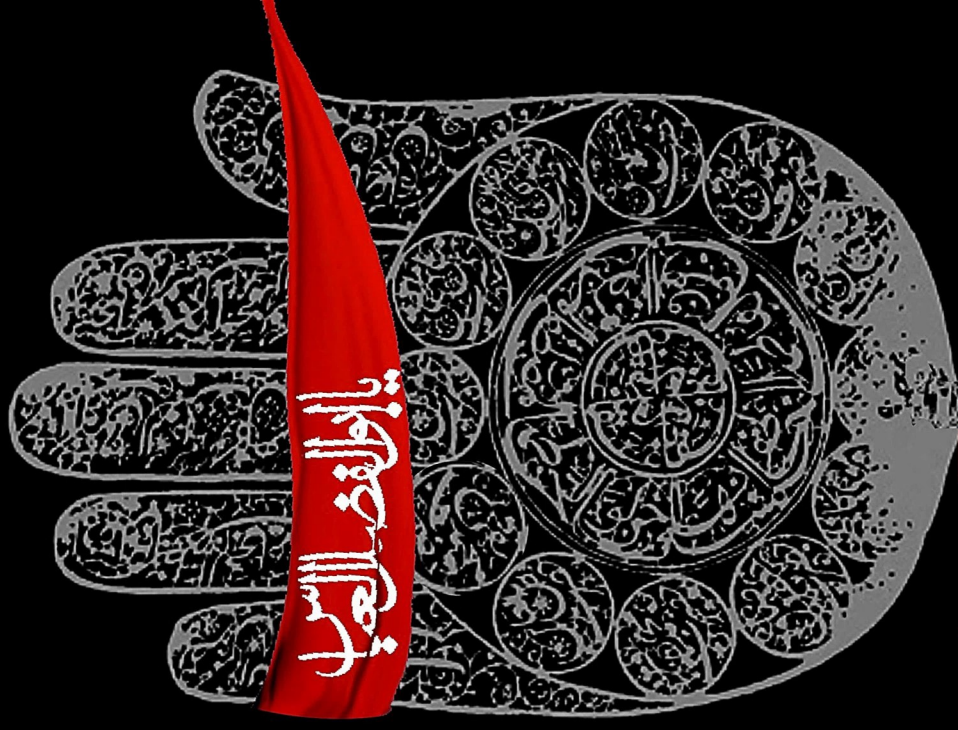
● نویسنده: حمید حسینی

آغاز می‌شود سالی که دل‌های همیشه عاشق را، دوباره متوجه «مکتب سرخ شهادت» خواهد کرد، مکتبی که نشان از پویایی و جاودانگی شهادت دارد؛

شهادت: میوه همان درختی که ریشه در «هیئات من الخلة» دارد و ارمغان ماه محرم به تمام آزادگان جهان است.

آری! «هیئات من الخلة» کلید اسرار و رموز ماه محرم است.

ماه‌ای که هر بار با حضور دوباره اش به تفسیر شرافت و عزت انسانی می‌پردازد و دل انسان‌های آزاده را به یق عارفانه عاشورا می‌سپارد.



حاشیای محرم

جوانی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: «من مردی گناه‌کارم و نمی‌توانم خود را از انجام گناهان بازدارم، مرا نصیحتی فرما»، امام حسین علیه السلام فرمود: پنج کار را انجام بده و آن‌گاه هرچه می‌خواهی، گناه کن. اول، روزی خدا را مغرور و هرچه می‌خواهی گناه کن. دوم، از حکومت خدا بیرون برو و هرچه می‌خواهی گناه کن. سوم، جای را انتخاب کن تا خداوند تو را نبیند و هرچه می‌خواهی گناه کن. چهارم، وقتی عزرائیل برای گرفتن جان تو آمد، او را از خود بران و هرچه می‌خواهی گناه کن. پنجم، زمانی که مالک دوزخ، تو را به سوی آتش می‌برد، در آتش وارد مشو و هرچه می‌خواهی گناه کن.

جوان اندکی فکر کرد و شرم‌زده شد و در برابر واقعیت‌های طرح شده، چاره‌ای جز توبه نیافت.

